

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۹ نومبر ۲۰۱۱

«قرآن باید مطابق ایجابات

قرن ۲۱ تفسیر شود»

بخش اول

عنوان فوق بیرون شده از افکار بنده نبوده و چنین پیشنهادی هم ندارم چون به باور من همه تفاسیری که تا حال از قرآن شده و یا باز هم شود نمی تواند معنی تشریحات – هدایات و ممنوعات و داستان‌های قرآن را تغییر داده و به آن شکل دیگری که مطابقت به عصر امروز و پیشرفت های علم و تکنالوجی داشته باشد، بدهد. چه انجام چنان خواستی کار بس مشکل و باورنکردنی خواهد بود. این که مفسرین در هر زمانی حسب دلخواه مطابق شرایط حاکمه بر جامعه، از آن تفسیراتی نموده و به خورد مردم داده اند تا حال هیچ کدام نتوانسته اند به آن شکل هدایت گر انسانی و بشری بدهند.

عنوان بالا فرموده شخصی است به نام داکتر فرید یونس که چندین بار از تلویزیون بیرون مرزی "نور" ابراز داشته و خواهان نظریات به اصطلاح علمای دین شده است تا پیشنهادی به "جامعه الازهر" نموده و خواهان فتوای آن‌ها در مورد نسخ تمام تفسیر های گذشته شده و تفسیر نوینی که مطابق ایجابات شرایط فعلی حاکم بر جهان باشد تدوین و حکم شرعی بودن تفسیر جدید را صادر فرمایند. جناب شان با این تاکتیک شارلتانی گونه خواسته اند از قرآن رهنمود بشری ساخته و تفسیرهای که به انواع مختلف توسط اشخاص گوناگون در مقطع‌های زمانی مشخص به عمل آمده لغو و چنین تلقین دارند که قرآن ۱۴۰۰ سال قبل در شرایط امروزی قابل تطبیق است و این مفسرین است که کوتاهی نموده و آن را به تناسب ایجابات همان شرایط و وقت تفسیر ننموده اند؟؟ البته داکتر صاحب شخص اول نظر یه پرداز در این مورد نیستند.

سوال عمده این است که اصلاً قرآن چرا تفسیر شود؟؟ آیا تنها ترجمه آن به زبان های مختلف برای فهم آن کافی نیست؟؟ چرا به تفسیر قرآن ضرورت است؟؟ در حالی که تفسیر باید در صورتی عمل شود که قرآن مجمل و پیچیده باشد و یا این که پیچیدگی های آن کوتاه و مختصر باشد. تفسیر به معنای تو ضیح دادن چیزی است تا قابل فهم گردد. (تفسیر در لغت یعنی نقاب از چهره چیزی بر گرفتن . تفسیر نمونه صفحه بیست و یک) (علامه

طباطبائی در کتاب «شناخت قرآن» و «دانشنامه رشد» چنین می گوید:

«بنا بر این تفسیر به معنای بر داشتن پرده ابهام و نشان دادن معنی باطنی و درونی الفاظی است که در نگاه اول به دست نمی آیند از این رو تکیه بر معنای ظاهری آیات را تفسیر نمی نامند» و نیز آمده «تفسیر یعنی روشن ساختن مفهوم آیات قرآن مجید **و واضح کردن منظور پروردگار**» - کتاب شناخت قرآن ص ۱۹۸ - دانشنامه رشد مقاله تفسیر - و این بدان مفهوم است که خداوند قادر به توضیح منظور خود در قرآن نبوده و لازم افتاده کسی و کسانی از نسل آدم بیاید و قرآن را تفسیر و منظور خدا را در لابه لای کلام او در قرآن به دیگران واضح سازد؟؟ بد خواهد بود به خود قرآن مراجعه و ببینیم آیا قرآن پیچیدگی هائی دارد و مختصر وقایع را بیان داشته و یا این که جامع و روشن می باشد؟؟ و آیا خداوند توانسته آنچه را می خواسته است در قرآن بگوید واضح و روشن گفته باشد؟

آیت ۱۲ سوره الاسراء می گوید:

«و ما شب و روز را دو آیت و نشانه قرار دادیم و آنگاه از آیت شب کاستیم و آیت روز را تابان ساختیم تا شما در روز فضل خدا را طلب کنید و تا آن که شمار سالها و حساب او قات را بدانید و **هر چیزی را مفصل بیان کردیم**» همچنان در سوره مائده آیت ۱۵ می گوید :

«همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری عظیم و **کتاب آشکار آمد**» با خواندن این دو آیت به روشنی می بینیم که قرآن به طور مفصل و روشن آمده و چیزی مبهمی در آن نیست که تفسیر شود؟؟ و علت این که دولت های استبدادی و دنباله روان عرب برای آن که واقعیت های تلخ و ناگوار قرآن را پوشش انداخته و از هر چه که به ضرر گروه و یا طایفه ای از بشریت است تحلیل نادرستی به نفع بشر داشته باشند کوشیده و دست به تفسیر قرآن زده اند تا تلخی های احکام قرآن را مثل **نا برابری های حقوقی زن و مرد ... رسمیت داشتن بردگی و کنیزی ... قطع اعضای انسان ها ...** و احکامی در باره کشتار و پرده پوشی نمایند در حالی که خود قرآن می گوید که قرآن روشن و واضح بوده و مفصل است؟؟

با گسترش اسلام بعد از محمد کمبود هائی احساس شد که تنها از راه تفسیر قرآن جبران می شد و این کمبود و خلاء باعث موجودیت **علم تفسیر** شد که نتیجتاً چند صد مفسر و بیش از یک هزار تفسیر کلی و جزئی قرآن در طول قرون به وجود آمد . و باید خاطر نشان سازم که در هیچ جائی از قرآن و در هیچ آیتی گفته نشده که شما برای فهم قرآن به تفسیر کننده و شرح دهنده ضرورت دارید بلکه خلاف ادعای اعراب و دنباله روان چاکر منش آنها قرآن بسیار ساده نوشته شده است. این مفسرین و تاجران اسلامی هستند که می خواهند برای قدسیت، جامع، مهم و کامل بودن آن روایاتی عرضه بدارند تا انسان ها عقل و منطق خود را در مقابل قرآن عاجز یافته و به دنباله روی اعراب و غلام های شیوخ عربی بدون تفکر ادامه دهند؟؟

در ابتدای کار تفسیر قرآن، مفسرین به چند دسته گروهی تقسیم که هر کدام آن مورد تأیید فرقه های خاصی مثل معتزله، اشعریه، اسماعلیه، شعیبه و اهل تصوف قرار گرفته است که هر کدام از این گروه ها ده ها و صد ها تفسیر جداگانه از قرآن پدید آورده اند و بعضی کسانی هم در بسط و توسعه تفسیر خیلی زیاد نوشته اند مثل تفسیر عبدالسلام قزوینی که شامل ۳۰۰ جلد است و تفسیر خلف بن احمد الصغاری بیش از یکصد جلد دارد. و تفسیر الکبیر ابوبکر معتزلی دوازده هزار صفحه دارد ولی معتبر ترین تفسیر های قرآن که مورد استناد و مراجعه اند عبارت است از **تفسیر کبیر طبری** «قرن سوم هجری»، **التبیان فی تفسیر القران تعاللی** «پایان قرن چهارم هجری»، **الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری** «آغاز قرن ششم هجری»، **مفاتیح الغیب فخر رازی** «پایان قرن ششم هجری»، **تفسیر تبیان شیخ طوسی** «قرن پنجم»، **تفسیر ابو الفتوح رازی** «آغاز قرن ششم» **مجمع البیان طبرسی**

«قرن ششم»، **انوار التنزیل بیضاوی** «قرن هفتم» می باشند. از مهم‌ترین تفسیر های صوفیانه کشف الاسرار میبیدی «قرن ششم» و تفسیر القرآن بن عربی «قرن هفتم» می باشد اما جالب ترین تفسیر – تفسیر **معروف جلالین به زبان عربی** است که در قرن نهم هجری توسط جلال الدین محلی آغاز شد و بعد از مرگ او توسط شاگردش جلال الدین سیوطی به پایان رسید و به این ملحوظ تفسیر جلالین نام گرفت. نحوه تفسیر های این کتاب مورد مطابیه قرار گرفته است. مثلاً آیت ۲۲۳ سوره بقره که می گوید:

« زنان شما کشتزار شمايند پس بدانسان که بخواهید به کشتزار خود در آنید» اینطور تفسیر شده است که (یعنی اینکه به هر صورت که بخواهید در آن‌ها دخول کنید ایستاده یا نشسته، یا خوابیده. از پیش یا از پس) در حقیقت تفسیر جلالین تحلیل قرآن از عربی به عربی است. این تفسیر از تفسیر هائی است که بیشتر از آنهاي دیگر در قاهره و شهر های مختلف هندوستان به چاپ رسیده و در ایران نیز اولین بار در سال ۱۲۷۶ هجری قمری با چاپ سنگی در تهران منتشر شده است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست علاقه‌مندی‌هائی در هند و مصر به وجود آمد که **قرآن را در تطابق تمدن و دانش عصر تفسیر کنند** که در این مورد تفسیر های نوشته شده و منتشر شد که معروف ترین آن‌ها تفسیر سید امیر علی هندی و تفسیر المنار محمد رشید رضا است که **بر پایه تفسیر شیخ محمد عبده دانشمند مصری** نوشته شده است. از ابتدای اسلام تا اکنون در دوره های معین و مشخص به صد ها تفسیر قرآن نوشته شده و مفسرین بنا بر درک تلقینی خود مطابق همان شرایط مسلط اجتماعی و سیاسی از قرآن بر داشت هائی داشته و قرآن را تفسیر نموده اند که در مجموع تفسیر ها به دو شکل بوده یکی تفسیر سنتی (ترتیبی) و دیگر موضوعی.

تفسیر سنتی به آن نوع تفسیر می گویند که به ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن است که مفسر از شروع قرآن سوره به سوره و آیت به آیت به تفسیر می‌پردازد مثل تفسیر المیزان. شکل دوم تفسیر موضوعی است و به آن تفسیری گفته می‌شود که مفسر موضوعات مطرح شده قرآن را جداگانه و مستقلانه مورد بحث قرار می دهد در جهان اسلام عده زیادی از مسلمانان از تفاسیری استفاده می نمایند که در مطابقت با همان شرایطی که زندگی دارند و می توانند از آن بهره برداری نمایند، قرار داشته باشد.

سوره نساء آیت ۳۴ قرآن می گوید: «زنان تانرا در صورت نا فرمانی بزنید.» اما مفسرین این آیت را قسمی تحلیل می دارند که (الله فرموده است بعد از چند بار تذکر دادن و در صورت موفق نشدن ترک بستر کردن و با همسر همبستر نشدن و اگر این راه هم رهگشا نبود مرد حق دارد چند بار زنش را با چوب مسواک بزند). و به این ترتیب به ما می فهمانند که درک قرآن برای ما مردم عامی مشکل است و فقط متخصص قرآن و عربی می تواند آنرا تفسیر و تحلیل نماید در حالی که ما اگر قرآن را به فارسی بخوانیم به بسیار سادگی مفهوم تمام آیات آن به ما روشن می‌شود و می توانیم از آن نتیجه‌گیری نمائیم.

مواردی زیاد و آیاتی در قرآن وجود دارد که تفسیر آن سوره‌های قرآن به هر شکل و صورتی که عملی گردد نمی تواند مغز ما را به گمراهی سوق دهد آیات تمام سوره المسد، سوره فاتحه، سوره و داستان یوسف، سلیمان و چندین سوره و آیات قرآنی است که عرب زده ها نمی توانند با هیچ نوع تفسیری، ماهیت اصلی آن را تغییر داده و مضمون انسانی و اجتماعی را به آن‌ها پیوند دهند. با وجودیکه در طی ۱۴ قرن همه مفسرین تلاش‌های مذبحانه خود را در این راه انجام داده‌اند و بعضی تفاسیری را که تقریباً در ۲۷ جلد می باشد تدوین نمودند تا قرآن یک جلدی را این همه بزرگ سازند؟؟ با توجه به آیات ذیل به آسانی و روشنی قرآن پی برده و خواهیم دید که این قرآن به تفسیر چندین برابر خود احتیاج ندارد.

سورهٔ مریم آیت ۹۸ «این قرآن را به زبان تو آسان کردیم تا پر هیز گاران را مزده دهی و ستیزه گان را بترسانی»
سورهٔ الدخان آیت ۵۸ «ما ادای سخن خویش بر زبان تو را آسان کردیم باشد که پند گیرند» در تمام این آیات واضح
و روشن بیان شده که قرآن و زبان قرآن ساده و آسان است. با وجود این صراحت باید باز هم به دنبال مفسرین
رفت؟؟

ادامه دارد